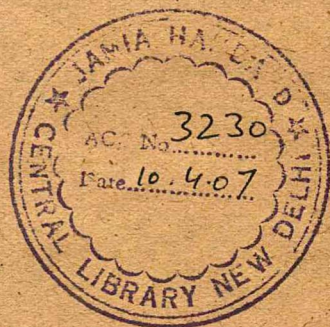


تقریر التخریر
خیر اللہ بن رطف اللہ مہندس



47

تقریر التخریر
از - خیر اللہ بن لطف اللہ مہندس



این کتاب از حضرت امام محمد باقر علیه السلام است
در بیان معنی لغت و معنی کلمات
و این کتاب از حضرت امام محمد باقر علیه السلام است
در بیان معنی لغت و معنی کلمات

حکم را سفر است و بیما فرق و رقیق و مال و احد و منفی ز ما حدت لید که ما را از حدت آفرید و اندوختن و لای حال و بعد او ماضی
و بر قل نسا و ماضی است این و انلس الایسیر و منی را تو سر اواری چه چیز آفرینند معبودیت را سالیان بسیار باشد
پناه بندی چیست تویی همه یستند آنچه هست تویی یعنی این همه بند و پیچ که بطرفی آید از پر تو دات تو و دود
و تو حین اینها میستند غرض که مراد بیان اتحاد پناه و پناه که شده است خیال کرد و نشود که بینها معانی است پناه که در حق صاحبان
مبادت می نماید و مخفی نماید ظاهر و در حق اقصای نمود که میگفت آنچه هست تویی تا ضمیمه است غایب بطرف آنچه که موصول
میستند لیکن چون مصدری لفظی که مذکور شد فی الحقیقه عبارت از وی است تا نشان و لفظ هست که ضمیمه غایب است میستند
پناه که سواي مخاطب خبری دیگر هم هست که مرجع ضمیر غایب است و ضمیمه غایت خطاب عدول نمود یعنی آنچه
بود و نمودی و در فی الحقیقه آن توست و نام وجود بر غیر محض اعتبار و مجاز است **تویی آفریننده هر چه هست** و اکثر تخریجین واقع شده و برین تقدیر مصحح غنائی محض تاکید و تکرار در اول
می شود و در نسخه قدیمه بطور آمده که همه آفریده است بالا و پست و معنی ضمیمه می شود که همه آفریده و مخلوق است و
اینها تویی پس در نسخه مصحح غنائی تا میس می شود و نه تاکید و اول اول اول **تویی برترین دانش آموزانک**
روانش فلان را نه بر لوح خاک ضمیمه ام کاه بمعنی فاعل می آید و کاه بمعنی مصدر چنانچه لفظ کوه که امر است در
نسخه مصحح گویند و در گفتگو بمعنی فاعل مستعمل است و برین تقریر دانش نمایی دانش آموزان پس اگر گفته شود که ضمیمه امر مطلقا بمعنی
نمی آید که بجای که مقارن می شود و بلفظ ماضی که هم بمعنی مصدر مستعمل می شود و بمعنی مصدر مستعمل می شود و بجای که مقارن بلفظ دیگر می شود
معنی فاعل می آید و اینجا از قبیل دوم است پس آموز را بمعنی مصدر مستعمل گفت بلکه بمعنی آموز را باید گفت و جواب میگویم
که بی در اکثر استعمال چنین است اما کاهی ضمیمه فاعل بدون اقتران ضمیمه ماضی هم بمعنی مصدر مستعمل می شود چنانچه در نسخ قدیمه
منه کاسان مجلس از نو کرد و نامک افاده بمعنی صاحب میکند از قبیل خاک و خاک پس دانش آموزانک بمعنی صاحب

[illegible]